

قرغیزستان از جنایت‌هایش علیه زنان عقیف مسلمان چه وقت دست‌بردار خواهد شد؟!

(ترجمه)

علت سوءظن مسئولین کمیته امنیت ملی قرغیزستان در ماه ژوئن، هشت تن از بانوان را به مبنی بر این که آنان وابسته به گروه ممنوعه می‌باشند، بازداشت نموده‌اند و اسباب جرم‌شان را که کتاب‌های بنیادگرایی، دستگاه‌های کامپیوتر، سیم‌کارت‌های همراه‌شان و دستگاه دیجیتالی که در آن مواد کمپاین حزب التحریر ثبت شده بود، تشکیل می‌دهد، که در هنگام بازرسی ضبط و توقیف شدند. شایان ذکر است که بازداشت این بانوان با همکاری کمیته امنیت ملی و اداره منطقوی امور داخلی نارین انجام شده است. این بانوان در حالی بازداشت شدند که مصروف نوشیدن چای بودند.

اسامی و مشخصات بانوان بازداشت شده قرار ذیل می‌باشند:

1. ارونوفا اِرکینغول: بانویی 37 ساله‌ای است که از والدین سالخورده خود که 80 سال از بهار عمرشان گذشته بود، مراقبت می‌کرد؛ مخصوصاً از مادرش که مصاب به سکته مغزی بود.
2. باکتبک کیزی مهابات: بانویی 29 ساله که مادر دو طفل است و خودش مریض می‌باشد که می‌بایست به طور منظم تداوی شود.
3. اُجومدونوفا الماغول: که 50 سال عمر دارد و صاحب سه فرزند می‌باشد که در روز بازداشت‌اش مصروف مراقبت از نواسه‌اش بود که مصاب به بیماری فلج مغزی است.
4. اُجومدونوفا اُرچاغول: بانویی که 37 ساله است و مادر سه دختر و یک پسر می‌باشد که سن‌های‌شان به ترتیب 16، 9، 6 و 2 سال می‌باشد.
5. اِسماعیلوفای میریم: بانویی 37 ساله است که مادر چهار دختر به سنین 12، 10، 8 و 6 سال می‌باشد. وی نخست به مدت 48 ساعت بازداشت شد و سپس رها شد و به مدت دو ماه محکوم به حبس خانگی گردید.
6. کادر الیفا میریم: بانویی که 34 ساله است و دارای دو طفل به سنین 9 و 5 سال می‌باشد.
7. ایتیکافا غولنور: این بانو 25 سال عمر دارد و متأهل می‌باشد.
8. مأمربکانوفا امانغول بانویی که 45 سال دارد و مادر چهار فرزند می‌باشد.

این بانوان در زندان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و عورت‌های‌شان در معرض دید قرار گرفت و شرایط صحی آنان در هنگام بازداشت مدنظر گرفته نشد؛ چنان‌که به بیمارانی که در میان‌شان بود، دوا داده نشد و تعهدات خانوادگی نیز در حق‌شان مراعات نگردید و آن ظالمانی که این بانوان را بازداشت نموده‌اند؛ به مادر اُرونوفا که مصاب به سکته مغزی بود و به نواسه اُجومدونوفا که به فلج مغزی مصاب بود، شفقت و ترحم ننمودند. هم‌چنان به آن بانویی که مادرش مریض بود و در وضعیت بد و وخیمی بسر می‌برد و وی ناچار شده بود که دخترش را با خود به خانه‌اش ببرد تا که از وی مراقبت نماید، نیز رحم ننمودند.

این بانوان تا زمان بسر رسیدن حکم نهایی و نظارت، در مرکز بازداشت موقت در نارین زندانی شدند و به طور مستمر با آنان رفتار بد و زشتی که درخور شأن انسان نیست، صورت گرفته است که می‌توان به گرسنگی کشاندن و شرایط دشواری که

بالای‌شان وضع گردیده بود، اشاره کرد تا جائی که وضعیت صحتی بانو باکتبک کیزی مهابات بسیار وخیم شد و توسط آمبولانس به شفاخانه منتقل گردید. بنابر این، این بانوان به خاطر کدام جرم و جنایت مستحق چنین رفتار و اتفاقاتی هستند که در فوق ذکر گردید؟!

در حقیقت دولت قرغیزستان از سال‌ها بدینسو در گمراهی خود بسر برده و به تشدید حملات بدون دلیل خود علیه زنان عقیف مسلمان ادامه داده است و جنگ سخت و خانمانسوزی را در مکاتب و مؤسسات عمومی در برابر حجاب راه اندازی نموده است، و پیروان دین خود را تعقیب نموده و برهنگی را ترویج می‌دهد. وی با این کار خود در نامه اعمالش گناه بازداشت بانوان بی‌گناه و عقیفی را که از اوامر خالق‌شان پیروی می‌نمایند را افزوده است!

دولت جنایتکار قرغیزستان می‌بایست که از عواقب اعمالش هراسان بوده و مراقب باشد که این اعمال خشم الله سبحانه و تعالی و خشم پیامبر صلی الله علیه و سلم و خشم مؤمنان را برانگیخته و در نتیجه به سرنوشتی دچار خواهد شد که آنگاه پشیمانی برایش سودی نخواهد داشت و می‌بایست که از آن‌چه هوای نفس برایش زینت داده دست‌بردار شود. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾ [المائدة: 33]

ترجمه: کیفر کسانی که (بر احکام شریعت می‌تازند و بدین وسیله) با الله (سبحانه و تعالی) و پیامبرش می‌جنگند، و در روی زمین (با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسان‌ها، مثلاً از راهزنی و غارت اموال مردم) دست به فساد می‌زنند، این است که (در برابر کشتن مردم) کشته شوند یا (در برابر کشتن مردم و غصب اموال) به دار زده شوند، و یا این که (در برابر راهزنی و غصب اموال، تنها) دست و پای آنان در جهت عکس یک‌دیگر بریده شود و یا این که (در برابر قطع طریق و تهدید، تنها) از جائی به جائی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوائی آنان در دنیا است و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.

نویسنده: هاجر یعقوبی

مترجم: محمد "مزمل"